اخبار کارگری

۴۱ هزار بازنشسته در انتظارِ پاداش پایان خدمت وعده‌ها محقق نشد



بازنشسته‌های آموزش و پرورش می‌گویند منتظر تحقق وعده‌ها در تابستان امسال هستیم.

به گزارش ایلنا، یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های فرهنگیان بازنشسته، دریافت به‌موقع پاداش پایان خدمت است. تاخیر در پرداخت پاداش پایان خدمت، تقریباً به یک رویه عادی در آموزش و پرورش تبدیل شده؛ به گونه‌ای که پاداش پایان خدمت فرهنگیانی که سال نود و شش بازنشسته شده‌اند هنوز پرداخت نشده و همین تاخیر به اعتراضات مکرر این بازنشستگان انجامیده‌است.

محمدی که بازنشسته مدارس کرج است، می‌گوید: بارها به ما وعده دادند که یک‌جا یا اقساطی مطالبات ما را می‌پردازند ولی هیچکدام از آن وعده‌ها تاکنون به سرانجام نرسیده‌است.

وی به افت ارزش پول در ماه‌های گذشته اشاره می‌کند و می‌گوید: اگر مطالبات ما را به موقع می‌پرداختند، آن پول قدرت خرید بالایی داشت و می‌توانستیم با آن سرمایه‌گذاری مناسب انجام دهیم و خیال‌مان از بابت دوران کهولت راحت‌تر می‌شد اما حالا که چند ماه گذشته قدرت خرید این پول به نصف کاهش یافته؛ حالا حساب کنید تا آخر تابستان کار به کجا خواهد کشید. این بازنشسته کرجی نگران است که بازهم وعده‌ها برای آخر شهریور محقق نشود. در روزهای گذشته، معاون حقوقی و امور مجلس وزیر آموزش و پرورش از پرداخت پاداش پایان خدمت ۴۱ هزار نفر از فرهنگیان و بازنشستگان سال ۹۶ تا پایان شهریور خبر داد. یوسف نجفی در حاشیه سفر به استان سمنان گفت: تا پایان شهریور ۳ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان پرداخت می‌شود و از این رقم ۱۲۰۰ میلیارد تومان در یک هفته گذشته پرداخت شده است. او افزود: پس از پرداخت کامل پاداش پایان خدمت بازنشستگان سال ۹۶، پرداخت پاداش پایان خدمت بازنشستگان سال ۹۷ آغاز می‌شود.

علیرضا خرمی: معضلِ مواد اولیه در قطب نساجی کشور ادامه دارد

عضو شورای اسلامی کار پلی‌اکریل اصفهان با بیان اینکه هنوز معوقات مزدی کارگران پرداخت نشده، گفت: امیدواریم مشکل تامین مواد اولیه و نقدینگی حل شود تا کارگران بیش از این دچار مشکل معیشت نشوند. علیرضا خرمی، در ارتباط با آخرین وضعیت این واحد تولیدی می‌گوید: بخش پلی‌استر کارخانه با تمام ظرفیت فعال است اما بخش‌های اکریلیک به دلیل عدم تامین مواد اولیه، در اغمای موقت به سر می‌برند؛ گویا مقداری مواد اولیه نیز خریداری شده که امیدواریم زودتر به کارخانه منتقل شده و مشکل تولید حل شود.

به گفته خرمی، رئیس هیات اجرایی کارخانه عوض شده و این امیدواری در کارگران قوت کرده که با این تغییر، وضع تهیه مواد اولیه، راه‌اندازی کارخانه و همچنین پرداخت معوقات کارگران بهتر از قبل شود. کارگران پلی‌اکریل مبلغ معتنابهی معوقات مزدی دارند، معوقاتی که از قبل از تعطیلی موقت کارخانه پرداخت نشده است. خرمی در رابطه با این معوقات می‌گوید: هزار و دویست کارگر پلی‌اکریل از مرداد ۹۵ مطالبات مزدی پرداخت نشده دارند؛ الان چند ماهی‌ست که حدود ۸۰ درصد دستمزد را به صورت علی‌الحساب به ما پرداخت می‌کنند که البته حقوق تیرماه را ۸۵ درصد پرداخت کردند. وی با تاکید بر اینکه راه‌اندازی پلی‌استر، خود یک گامِ مثبتِ رو به جلوست؛ می‌گوید: امیدواریم با درایت در تصمیم‌گیری، به زودی مشکل تخصیص ارز و تهیه مواد اولیه حل شود؛ اگر تولید با تمام ظرفیت امکان‌پذیر شود، دستمزد کارگران نیز کامل پرداخت خواهد شد؛ در حال حاضر پرداخت‌های علی‌الحساب برای پرسنل پلی‌اکریل مشکل‌ساز شده‌است.

خرمی در تشریح این مطلب می‌گوید: شرایط اقتصاد به گونه‌ای است که اگر همه دستمزد را به موقع به کارگر بپردازند، باز هم نمی‌توانند امورات زندگی خانواده‌ی خود را اداره کند؛ چراکه ارزش دستمزدها نسبت به سال قبل بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته؛ حالا شما حساب کنید بخواهند دستمزدها را علی‌الحساب و با تاخیر بپردازند؛ دیگر مشکلات صدچندان می‌شود.

زندگی قسطی یک تراشکار روزمزد

حاصل؛ هیچ است

PDF Compressor Free Version



نسرین هزاره‌مقدم

زندگی کارگر میانسالی که روزها تراشکاری و شب‌ها از همسر علیل و فرزند معلولش نگهداری می‌کند، با سختی‌های بسیار توام است؛ آن هم وقتی که فقط ماهی ۵۰۰ هزار تومان درآمد دارد. به گزارش ایلنا؛ آقای «دال» زندگی آبرومندی دارد؛ سری بین سرها دارد؛ دخترهایش را خانه بخت فرستاده و نوه‌دار شده؛ پا به سن گذاشته و در همه این سال‌ها، با هزار مصیبت صورتش را با سیلی سرخ نگه داشته: «نمی‌خواهم از من اسم ببرید؛ حتی اسم کوچکم را؛ از خانه و زندگی‌ام هم عکس برندارید؛ نمی‌خواهم اسمم سر زبان‌ها بیفتد، نمی‌خواهم حتی کسی به من کمک کند؛ اگر دامادهایم بفهمند، اگر فامیل‌ها ببینند، دخترهایم سرافکنده می‌شوند. من این را نمی‌خواهم؛ فقط از دردهایم بنویسید؛ از مشکلاتم؛ تا بدانند که امثال ما هم هستند که در این شهرِ بی‌درو پیکر با این سختی نفس می‌کشند و هنوز زنده‌اند؛ درد من درد خیلی‌هاست؛ درد مردان میانسالی‌ست که عمری دویده‌اند و به هیچ جا نرسیده‌اند». درد «دال» درد طبقه‌ی بی‌نصیبِ کارگر است؛ یک عمر عرق ریختن؛ آجر روی آجر گذاشتن؛ جوش روی جوش زدن؛ گرما و سرما را به جان خریدن اما در انتها، بعد سال‌های طولانی، حاصل همچنان هیچ است؛ همچنان شرمندگی باقی‌ست؛ زندگی به آنجا که باید، نمی‌رسد؛ درجا می‌زند.

خانه‌اش محله‌ی مختاری تهران است؛ همان محله‌ای که سقف‌ها کوتاهند و خانه‌ها در دل هم فرورفته‌اند؛ بغل به بغل؛ کیپ هم؛ شب‌ها صدای سرفه‌های خشک سیگارِ مرد همسایه را می‌شود شنید و البته ناله‌های مکرر همسر آقای «دال» را؛ او که دیگر محتضر است و روی یک تخت فنری کنار اتاق بی‌حرکت افتاده؛ زندگی نباتی. «دال» از زندگی‌اش راضی‌ست؛ البته از زندگی‌اش نه، از لطف خدا راضی‌ست؛ لحظه به لحظه خدا را شکر می‌کند؛ شکر می‌کند که چهارستون بدنش سالم است و می‌تواند این همه بار را بکشد؛ می‌تواند این همه را «تاب» بیاورد؛ تاب آوردن این همه، ساده نیست. آنچه از خودش و روزگارش می‌گوید، در یک عبارتِ ساده خلاصه می‌شود: دوندگی مدام... اینها تصاویری‌ست گسسته از آنچه هر روز بدون وقفه تکرار می‌شود.

پرده اول: روزها

«دال» پنجاه و نه ساله است؛ شغلش، تراشکاریِ روزمرد است؛ از جوانی تراشکار بوده، اما هیچ زمانی نتوانسته صاحبِ یک «شغل ثابت» با درآمد ثابت باشد؛ هرگز در استخدام شرکت یا کارگاهی نبوده؛ این روزها در مغازه تراشکاری فرد دیگری کار می‌کند اما حقوق‌بگیر او نیست؛ اگر کسی به مغازه مراجعه کند و درخواست کارگر تراشکار بدهد، دال را می‌فرستند سر کار؛ هرچقدر حق‌السعی و دستمزد بگیرد، نصف آن را صاحب مغازه برمی‌دارد و نصف دیگر را به خود دال می‌دهد؛ نه قراردادی در کار است؛ نه مزایایی نه عیدی و نه حتی حق سنواتی؛ بیمه را هم خودش می‌پردازد، بیمه‌ی خویش فرما: «کاری اگر به تورِ آقای صاحب مغازه بخورد و خودش نخواهد و یا نتواند برود انجام دهد، من می‌روم انجام می‌دهم؛ هیچ مسئولیتی نسبت به من ندارد؛ تازه کلی خواهش کرده‌ام که اجازه داده در مغازه‌اش بایستم و کاسبی کنم. از صبح ساعت نُه می‌روم مغازه و تا پنج یا شش بعدازظهر منتظر کار می‌مانم؛ اگر کار به پُستمان خورد که چندرغاز گیرم می‌آید و گرنه ول معطلم؛ باید بدون یک قران درآمد برگردم خانه.»

درآمد این کارگری که روزی هشت ساعت، بیرون از منزل، سر کار است و دیگر مدتهاست دوران جوانی را پشت سر گذاشته، خیلی کم است؛ کمتر از آنچه بتوان تصور کرد؛ حتی از حداقل مزدی که زندگی را نمی‌چرخاند هم کمتر است: «قبلا برجی هفتصد، هشتصد تومان درمی‌آوردم اما حالا خدا شاهدست که بیشتر از پانصد هزار تومان درنمی‌آورم؛ از این مبلغ دویست و خورده‌ای برای بیمه می‌پردازم. ته‌بساط چیزی برایم نمی‌ماند؛ چطور زندگی را می‌چرخانیم؟ پول یارانه هست و کمک برادرها و اقوام. بخشی از همین درآمد کم را برای درمان همسرم می‌پردازم؛ آمپول‌هایی هست که باید هرماه بزند.»

روزهای کاریِ آقای «دال» چه با روزی و چه بی‌روزی، ساعت شش عصر به پایان می‌رسد، اما کار تمام نمی‌شود...

پرده دوم: شب‌ها

شب‌های «دال» به پرستاری از همسر و تنها پسرش می‌گذرد؛ شب که خسته و کلافه از مزد کم و کار زیاد به خانه بازمی‌گردد، یک شیفت کاری سخت شروع می‌شود؛ از پوشک گذاشتن و شستشو بگیر تا پخت و پز و رفت‌وروب:

«هم همسرم مریض است و هم تنها پسرم؛ تنها پسرم معلول ذهنی‌ست؛ سندورم داون دارد.» قانون حمایت از معلولان در سال ۱۳۸۳ به تصویب رسیده و توسط وزارت بهداشت ابلاغ شده‌است؛ ماده ۱ این قانون می‌گوید: دولت موظف است زمینه‌های لازم را برای تامین حقوق معلولان، فراهم و حمایت‌های لازم را از آنها به عمل آورد. در ماده ۳ همین قانون، پرداخت یارانه و تسهیلات به خانواده‌ها برای نگهداری از معلولان جسمی و ذهنی، پیش‌بینی شده است؛ اما این کارگر میانسال که حتی به اندازه حداقل دستمزد نیز درآمد ندارد، هیچ حمایتی از هیچ نهادی دریافت نکرده؛ نه یارانه‌ای گرفته، نه حتی خدماتی مانند مشاوره و توانبخشی: از فرزندم هیچ حمایتی نشده... مشکلاتِ «دال» یکی دو تا نیست؛ نه فقط تنها پسرش معلول است و نیاز به مراقبت و نگهداری دارد؛ بلکه همسرش نیز سال‌هاست مثل یک نوزاد نیاز به مراقبت و تروخشک کردن دارد: همسرم هم ده پانزده سال است که زمینگیر است؛ روی تخت خوابیده و فقط نفس می‌کشد. تومور مغزی داشت که چند سال پیش عمل کرد؛ دو سه سالی روی پایش بود؛ بعد از آن کم کم افتاده شد؛ بردیم دکتر گفتند در مغزش لخته خون است؛ دوباره با کلی هزینه عملش کردند ولی بعد از آن دیگر فلج شده و رو به قبله افتاده؛ دکترها ازش قطع امید کرده‌اند. سال‌هاست که خودم همه کارهایش را انجام می‌دهم؛ برایش پوشک می‌گذارم؛ لباس‌هایش را می‌شویم، هفته‌ای یکی دوبار حمام می‌برمش و غذا دهانش می‌گذارم؛ آن هم فقط غذاهای رقیق و مایع؛ شش عصر که می‌رسم خانه، دوباره کار شروع می‌شود. غذا می‌پزم؛ کارهای همسرم را می‌کنم؛ کارهای پسرِ معلولم هم هست؛ او را هم باید ضبط و ربط کنم؛ خدا را شکر او دیگر کار پوشک کردن و شستشو ندارد؛ اما باید کارهای روزمره‌اش را انجام دهم، معلول ذهنی‌ست دیگر؛ روزها که می‌روم سر کار، درب خانه را قفل می‌کنم تا پسرم نرود بیرون و گم و گور شود. بعضی روزها دخترهایم می‌آیند و صبح‌ها پیش مادرشان می‌مانند؛ اما آنها هم زندگی خودشان را دارند؛ زندگیِ آنها هم سخت است؛ مشغله‌ها برای همه زیاد شده...»

اما شاید روزی...

آقای «دال» چند ماه دیگر شصت ساله می‌شود؛ امیدش ای‌نست که بتواند در شصت سالگی بازنشسته شود، گرچه یادش نمی‌آید که چند سال سابقه بیمه‌پردازی داشته؛ می‌گوید باید بروم همین روزها سابقه بیمه‌ام را بگیرم؛ اگر خدا بخواهد شاید یک روز از همین روزها بازنشست شوم. او امیدوار است که بازنشستگی بتواند کمی آرامش با خود به همراه بیاورد؛ حقوقِ ثابتِ بازنشستگی، ماندن در خانه، اما استراحت نه، استراحتی در کار نیست. پرستاری تمام وقت از زنی معلول و رو به قبله و پسری که سندورم داون دارد، تمامی ندارد؛ این کار، بازنشستگی و دوران تقاعد ندارد...

> **درد «دال» درد طبقه‌ی بی‌نصیبِ کارگر است؛ یک عمر عرق ریختن؛ آجر روی آجر گذاشتن؛ جوش روی جوش زدن؛ گرما و سرما را به جان خریدن اما در انتها، بعد سال‌های طولانی، حاصل همچنان هیچ است؛ همچنان شرمندگی باقی‌ست؛ زندگی به آنجا که باید، نمی‌رسد؛ درجا می‌زند**

گفت‌وگو

نائب رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری:

محورهای استیضاح ربیعی را باید در جای دیگری جست



علیرضا حیدری به محورهای استیضاح ربیعی می‌پردازد و اثبات می‌کند که در همه این محورها، عوامل اصلی جای دیگری است. نائب رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در گفت‌وگو با ایلنا، در رابطه با طرح استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به سابقه این طرح گفت: دومین بار است که در سال جاری بحث استیضاح وزیر کار مطرح می‌شود و جالب اینجاست که وقتی به محورهای استیضاح اخیر نگاه می‌کنیم چندان با مسائلی که در استیضاح قبلی مطرح شده، تفاوت ندارد. وی ادامه داد: به نظر می‌آید بخش بزرگی از مسائل مطروحه به‌طور مستقیم به وزارت کار برنمی‌گردد، بلکه مربوط به دستگاه‌های اجرایی دیگر و سیاست‌های کلان و بالادستی در حوزه اجتماعی و اقتصادی است که نتیجه و آثار فروبارشی این سیاست‌ها به سایر بخش‌ها از جمله وزارت کار نیز سرایت می‌کند. بنابراین نمی‌توان وزارت کار را به عنوان یک مجموعه منفرد و جدا از بقیه، سیستم مخاطب قرار داد و نقد کرد.

بیکاری، عدم امنیت شغلی به وجود می‌آورد

حیدری به محورهای استیضاح بازمی‌گردد: یکی از محورها بحث امنیت شغلی است که اساساً این بحث به نرخ بیکاری مربوط است هر چه نرخ بیکاری بالاتر می‌رود چانه‌زنی کارگر و قدرت دفاع از حقوق شغلی کمتر می‌شود؛ طبیعی است در شرایطی که نرخ بیکاری بالاست هر چقدر هم در حوزه روابط کار، نظارتِ قوی انجام شود باز هم رضایتمندی دیده نمی‌شود. البته در این زمینه در حوزه روابط کار اتفاقات خوبی صورت گرفته از جمله در شورای عالی کار، کارگروه ویژه روابط کار ایجاد شده که این کارگروه مرتبط‌ترین آیین‌نامه با بحث امنیت شغلی، یعنی آیین‌نامه تبصره یک ماده ۷ قانون کار را تدوین کرده که پس از تصویب هیئت دولت برای اجرا ابلاغ خواهد شد. حیدری تاکید کرد: البته با توجه به سیاست‌های اقتصادیِ ناظر بر فضای کلان اقتصاد، می‌توانیم با قاطعیت بگوییم که روزگار چندان نوید بخشی پیش رو نداریم و این از عهده وزارت کار خارج است. مسئولیت اصلی در این زمینه در دست وزارت صنعت، معدن و بازرگانی است و حتی وزارت کشور نیز در حوزه اشتغال مهاجران دارای مسئولیت‌هایی است. سیاست‌های پولی و مالی نیز به حوزه وزارت اقتصاد و بانک مرکزی برمی‌گردد.

چرا استیضاح کننده اشتباهات در بخش‌های بالادستی را نمی‌بیند؟!

وی ادامه داد: واردات بی‌رویه قاچاق کالا نیز در مخدوش شدن بحث اشتغال و سرمایه‌گذاری موثر است؛ اینها عواملی است که امنیت شغلی کارگر را به مخاطره می‌اندازند. سوال اینجاست که چرا استیضاح کننده اشتباهات در بخش‌های بالادستی را نمی‌بیند و عوامل زیرساختی را نادیده می‌گیرد و با ساده‌انگاری می‌گوید کارگران امنیت شغلی ندارند چون قراردادهایشان موقت است و چون وزارت کار نظارت درست انجام نمی‌دهد؟

فضای مثبتی که در وزارت کار به وجود آمد

نائب رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در ادامه گفت‌وگو به موضوع دیگری اشاره می‌کند که استیضاح کنندگان آن را در محورهای طرح گنجانده‌اند: معیشت نیروی کار یکی از موضوعات مطرح است که در این زمینه تلاش‌هایی در سه چهار سالِ گذشته صورت گرفته و اگر مزد را به عنوان مهمترین مولفه معیشت در نظر بگیریم باید بگوییم در طول سال‌های گذشته همواره مزد بیشتر از نرخ تورم اعلامی افزایش یافته. سال قبل هم شرکای اجتماعی با بهره گرفتن از فضای مثبتی که در اثر تلاش‌های وزیر کار به وجود آمد، توانستند افزایش دستمزد را دو و نیم برابرِ نرخ تورم رسمی اعمال کنند و پیش‌بینی می‌شد که امسال شرایط بهتری به وجود آید که متاسفانه با اتفاقاتی که افتاد، این امر میسر نشد. حیدری ادامه می‌دهد: کاهش ارزش پول ملی و مشکلات مترتب بر آن که فضای کلان اقتصاد را ملتهب کرد بیش از هر چیز قدرت خرید کارگران را کاهش داد و معیشت آنها را با مشکل مواجه کرد و اگر عوامل اساسی در این زمینه اصلاح نشود بدیهی است که در آینده وضعیت کارگران به مراتب بدتر هم خواهد شد. وی تاکید کرد: با اتفاقاتی که در عرصه اقتصاد افتاد، چرخه تولید از مبدا تا مقصد یعنی تولید، توزیع و مصرف، دچار آشفتگی شد؛ در این شرایط با نارضایتی کارفرما در بخش تولید و ناخرسندی کارگر به عنوان نیروی کار مواجه شده‌ایم و اگر تغییرات اساسی صورت نگیرد مشکلات بیشتری هم در زمینه معیشت و هم در زمینه بیکاری نیروی کار خواهیم داشت که البته نمی‌توان وزیر کار را متولی و مقصرِ این اوضاع دانست.

در هیچ کدام از محورهای استیضاح مقصر اصلی وزیر کار نیست

به گفته حیدری، استیضاح کنندگان حداقل باید انصاف را رعایت می‌کردند و نگاه منصفانه‌تری به کلیت فضای اقتصادی کشور می‌داشتند؛ چرا در هیچ یک از محورهای استیضاح، مقصر اصلی وزیر کار نیست. او در ادامه به بیمه روستائیان و عشایر اشاره می‌کند و می‌گوید: نزدیک به یک دهه است که صندوق بیمه روستائیان و عشایر زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تشکیل شده؛ بیمه روستائیان اختیاری است و روند بیمه‌شدگی در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده و طبیعتا نمی‌توان گفت که کار وزارتخانه در این زمینه مثبت نبوده است؛ چراکه بالای یک میلیون نفر از جامعه روستائیان کشور به این صندوقِ بیمه گر پیوستند.

تامین اجتماعی با قالیبافان فراتر از همکاری عمل کرد

وی ادامه داد: در مورد بیمه قالیبافان نیز که در محورها مطرح شده باید گفت در این زمینه امتناع دولت از پرداختن سهم خود مشکل ساز شده است؛ باید قبول کرد که تامین اجتماعی در مورد بیمه قالیبافان همکاری‌های لازم را انجام داده حتی فراتر از همکاری عمل کرده اما این غفلت دولت در زمینه عدم پرداخت سهمش است که مشکل ساز شده‌است.

حیدری ادامه داد: بحث تعامل با بیمه گذاران موضوع بعدی است؛ معاونت فرهنگی تامین اجتماعی به طور مرتب با تشکل‌های کارگری و کارفرمایی نشست دارد؛ از سال‌های پیش این تعامل همیشه وجود داشته؛ اخیرا یک آیین‌نامه اجرایی هم در این زمینه نوشته شده؛ به نظر می‌رسد در این راستا پیشرفت‌هایی شکل گرفته که البته خود تشکل‌های کارگری و کارفرمایی بهتر می‌توانند در این رابطه اظهار نظر کنند.

ریشه مشکلات تامین اجتماعی به دولت بازمی‌گردد

حیدری می‌افزاید: بخشی از ایرادات نمایندگان مجلس به مشکلات تامین اجتماعی و شرکت‌های وابسته برمی‌گردد؛ در این رابطه بهتر است به چند مساله توجه کنیم. تعهدات تامین اجتماعی از منظر منابع از سه ناحیه است. یک بخش از ناحیه کارگران است (۷ درصد)، ۲۳ درصد از کارفرما می‌پردازد اما بخش بزرگی از منابع باید از قبل اجرای تعهدات توسط خود دولت تامین شود که متاسفانه دولت به این تعهدات عمل نکرده است. در واقع مشکلات تامین اجتماعی به معضل کمبود نقدینگی این سازمان بازمی‌گردد و کمبود نقدینگی از زمانی دامنگیر سازمان شد که دولت بدهی‌های خود را پرداخت نکرد. تنها تا سال ۹۴ دولت ۱۱۸ هزار میلیارد تومان بدهی انباشته به تامین اجتماعی دارد که تا امروز این بدهی به بیش از ۱۴۰ هزار میلیارد تومان رسیده؛ با این شرایط از نمایندگان مجلس می‌پرسم سازمان تامین اجتماعی چگونه قرار است تامین بودجه کند در حالی که دولت هیچ برنامه‌ای برای پرداخت بدهی‌های خود ندارد لذا مشخص است که تامین اجتماعی دچار مشکل جدی می‌شود؛ چرا که بخش درآمدهای سازمان تعهدی-نقدی است ولی بخش هزینه‌ها فقط نقدی است. این تعارض سرمنشا چالش‌های تامین اجتماعی است بنابراین با قاطعیت می‌توانیم بگوییم ریشه همه مشکلات تامین اجتماعی به دولت برمی‌گردد و نمایندگان مجلس نیز اگر منصف باشند باید مرجع بالادستی یا همان دولت را که پرداخت‌ها را انجام نمی‌دهد مورد شماتت قرار دهند.